



پنج‌شنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۵ - سال دوازدهم - شماره ۲۵۶۳

۲ راهبردی

گفت‌وگو

دبیر اتحادیه تولید و تجارت آبزیان ایران به سرآمد خبر داد:

پیش‌بینی صادرات ۱۰ تن خاویار در سال ۱۴۰۵



دبیر اتحادیه تولید و تجارت آبزیان ایران، گفت: با توجه به روند افزایشی تولید خاویار در مزارع پرورش ماهیان خاویاری، پیش‌بینی می‌شود طی سال جاری شاهد صادرات حداقل ۱۰ تن خاویار به کشورهای هدف باشیم.

علی‌اکبر خدایی در گفت و گو با خبرنگار اقتصاد سرآمد، اظهار داشت: با توجه به روند افزایشی تولید خاویار در مزارع پرورش ماهیان خاویاری، پیش‌بینی می‌شود طی سال جاری شاهد صادرات حداقل ۱۰ تن خاویار به کشورهای هدف باشیم.

دبیر اتحادیه تولید و تجارت آبزیان ایران، بیان داشت: رشد بازارهای صادراتی در صنعت خاویار نشانه‌ای از تثبیت بازار جهانی خاویار ایران است که امیدواریم شاهد توسعه هر چه بیشتر آن در سالهای آتی باشیم. خدایی در ادامه گفته‌های خود با اشاره به همکاری تگناگتک پرورش دهندگان و صادرکنندگان خاویار در کشور، بیان داشت: این مهم باعث توسعه و رونق هر چه بیشتر صنعت خاویار خواهد داشت.

وی با اشاره به اینکه به منظور تداوم عضویت ایران در اتحادیه اروپا، نیازمند تأمین ۹ هزار پورو معادل ۲ میلیارد تومان اعتبار بودیم، گفت: با همکاری صادرکنندگان این مبلغ تأمین شد که این اقدام یکی از مهمترین موارد همکاری صادرکنندگان را نشان می‌دهد.

این مقام مسئول در اتحادیه تولید و تجارت آبزیان، یادآور شد: میزان صادرات خاویار در سال ۱۴۰۰، ۳ هزار کیلو و ۷۷۴ کیلوگرم بوده است که این رقم در سال ۱۴۰۴ به ۷ هزار کیلو و ۹۷۴ گرم رسیده است. دبیر اتحادیه تولید و تجارت آبزیان ایران در ادامه ارزش صادراتی خاویار در سال ۱۴۰۰ را یک و نیم میلیون دلار اعلام کرد و اظهار داشت: این رقم در سال ۱۴۰۴، به ۵ میلیون دلار رسیده است که رشد قابل توجه در درآمد ارزی به دست آمده از صادرات این محصول با ارزش شیلاتی را نشان می‌دهد.

این مقام مسئول در اتحادیه تولید و تجارت آبزیان ایران، بیان داشت: از مجموع ۷ هزار کیلو و ۹۷۴ گرم خاویار صادر شده در سال گذشته، ۷ هزار کیلو و ۲۷۱ گرم آن فقط به ۱۰ بازار برتر هدف صادر و مابقی به ۲۳ بازار دیگر صادر شده است.

خدایی با اشاره به بازارهای هدف صادرات در سال ۱۴۰۴ گفت: سال گذشته به ترتیب کشورهای امارات، قطر، آلمان، هلند، هنگ کنگ، سوئیس، استرالیا، کانادا، برزیل و لبنان بیشترین میزان صادرات خاویار ایران را به خود اختصاص داده‌اند.

دبیر اتحادیه تولید و تجارت آبزیان ایران در ادامه ارزش صادراتی خاویار در سال ۱۴۰۰ را یک و نیم میلیون دلار اعلام کرد و اظهار داشت: این رقم در سال ۱۴۰۴، به ۵ میلیون دلار رسیده است که رشد قابل توجه در درآمد ارزی به دست آمده از صادرات این محصول با ارزش شیلاتی را نشان می‌دهد.

به گفته وی، این درحالی است که صادرکنندگان خاویار بخش اعظمی از ایام سال را با مشکل تعطیلی پروازهای خارجی مواجه بودند؛ آن‌ها کالای صادراتی خود را از طریق کشورهای همسایه و مسیرهایی که بیان جزئیات آن نه ممکن و نه به صلاح است ارسال کرده و ارز آن را به سختی به کشور برگرداندد.

باشما هستیم

باتحلیل‌های اقتصاد سرآمد

www.eghtesadsaramad.ir

تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۶۹۲۲۷

همراه: ۰۹۱۹۸۵۴۳۹۹۶



عملیات رزمی علیه ایران را «در همکاری با اسرائیل» آغاز کرده است؛ هرچند واشنگتن در تلاش برای توجیه حقوقی این اقدام، آن را ذیل ماده ۵۱ منشور ملل متحد و با استناد به حق دفاع مشروع، آنهم با تفسیری موسع و مورد مناقشه، توجیه کرده است. این تصریح، دست‌کم از حیث اثبات اصل مشارکت ایالات متحده در مخاصمه و ورود مستقیم آن به عملیات نظامی، یک سند مهم و کم‌نظیر حقوقی برای ایران محسوب می‌شود که در هیچ‌یک از ادوار پیشین تنش‌های نظامی میان دو کشور نظیر نداشتته است. دبیرکل سازمان ملل متحد نیز در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۴۰۴ حملات گسترده آمریکا و اسرائیل علیه ایران را محکوم و بر ضرورت رعایت قواعد منشور، از جمله ممنوعیت توسل به زور و تعهد به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، تأکید کرد که این موضع‌گیری نیز هرچند فاقد ضمانت اجرایی فوری است، اما در ترازوی افکار عمومی بین‌المللی و در پرونده‌های حقوقی احتمالی آینده، می‌تواند به‌عنوان یک شاهد سیاسی در کنار سایر ادله قرار گیرد. با این حال، از این مرحله به بعد، مسئله از سطح محکومیت سیاسی و بیانه‌های شورایی عبور کرده و وارد حوزه پیچیده و تخصصی «مهندسی حقوقی مطالبه» می‌شود؛ حوزه‌ای کسه در آن، نامه‌های رسمی و محکومیت‌های دبیرخانه، تنها نقطه آغاز یک مسیر دشوار و پرپیچ‌وخم محسوب می‌شوند و نه نقطه پایان آن. حقوق‌دانان بین‌المللی با استناد به ماده ۱۶ از پیش‌نویس مقررات مسئولیت دولت‌ها که به‌عنوان یکی از معتبرترین منابع عرفی حقوق بین‌الملل در این حوزه شناخته می‌شود، بر این نکته تأکید دارند که دولت‌های حامی یا تسهیل‌کننده یا حتی تأمین‌کننده منابع و تجهیزات و اطلاعات، نیز در قبال اقدامات متخلفانه و آثار زیانبار ناشی از آن، مسئولیت دارند و بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر ایالات متحده و رژیم اسرائیل، می‌تواند کشورهای دیگری

دیگر از اعضای دائم از مواضع واشنگتن، هرگز قطعنامه‌ای برای ایجاد صندوق غرامت یا سازوکار قضایی علیه این کشور صادر نخواهد کرد و اگر هم چنین قطعنامه‌ای به‌صورت شگفت‌انگیز به رأی گذاشته شود، با وتوی آمریکا یا متحدانش روبرو خواهد شد. این تحلیل واقع‌گرایانه و مبتنی بر ساختارهای موجود، نشان می‌دهد که استراتژی ایران نباید بر وصول غرامت از آمریکا به‌عنوان یک هدف کوتاه‌مدت و مستقل متمرکز شود که در آن، تمامی توان حقوقی و دیپلماتیک کشور صرف یک مسیر بن‌بست گردد، بلکه باید به‌دنبال ایجاد «اهرم‌های فشار» ترکیبی، چندلایه و خلاقانه از طریق ظرفیت‌های منطقه‌ای، نهادهای تخصصی سازمان ملل، مجامع بین‌المللی و حتی ظرفیت‌های حقوقی داخلی باشد تا بتواند در طول زمان، زمینه‌ساز وصول حداقلی یا حداکثری از مطالبات گردد. در این چارچوب، تشکیل پرونده‌های دقیق، تخصصی و مستند در نهادهایی نظیر سازمان جهانی بهداشت برای مستندسازی خسارت‌های وارده به نظام سلامت و بیمارستان‌ها و کادر درمان، یونسکو برای ثبت خسارت به میراث فرهنگی و تاریخی که دارای ارزش جهانی است، شورای حقوق بشر برای ثبت موارد نقض حقوق بشر و کشتار غیرنظامیان، و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای مستندسازی خسارت به تأسیسات هسته‌ای و پیامدهای زیست‌محیطی آن، می‌تواند به‌عنوان یک استراتژی مکمل و موازی، زمینه‌ساز ایجاد فشار سیاسی و افکار عمومی بر دولت‌های متجاوز در افق زمانی بلندمدت باشد و پرونده‌هایی چندوجهی و غیرقابل انکار را در اختیار دیپلماسی عمومی و حقوقی کشور قرار دهد که هر یک به‌تنهایی می‌توانند منشأ اثر و اهرم فشار قرار گیرند.

یکی از ابعاد مهم و بعضاً مغفول‌مانده و کمتر مورد توجه قرار گرفته در راهبرد کلان غرامت، مسئولیت‌بنیادین دولت در قبال شهروندان خود و جبران خسارت‌های وارده بر ایشان، مستقل از وصول آن از دولت متجاوز است. این بعد که بیشتر به «عدالت توزیعی» و «حاکمیت قانون» در حوزه داخلی مربوط می‌شود، از این منظر حائز اهمیت دوچندان است که دولت به‌عنوان حافظ منافع ملی، تأمین‌کننده امنیت عمومی و ضامن اجرای عدالت در جامعه، وظیفه دارد خسارت‌های وارده بسر اتباع و شهروندان خود را جبران کند و پاسخگوی آسیب‌دیدگان باشد، حتی اگر امکان وصول آن از دولت متجاوز به‌طور



کامل و در کوتاه‌مدت فراهم نشود و پرونده‌های قضایی در نهادهای بین‌المللی سال‌ها به طول انجامد. قواعد فقهی مستحکمی مانند «الأضرر» که هرگونه ضرر و زیان را نفی می‌کند، «تسبیب» که عامل غیرمستقیم زیان را نیز مسئول می‌داند، و «الخراج بالضمان» که بهره‌مندی را در گرو پذیرش مسئولیت می‌داند، نیز اصول صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همچون اصل بیست‌ونهم که تأمین اجتماعی و بهداشت و درمان را از وظایف دولت می‌شمارد و اصل چهلم که هرگونه ضرر به دیگری را ممنوع اعلام می‌کند، مبانی مستحکم، بومی و عمیقی برای الزام دولت به جبران خسارت‌های جنگی به شهروندان فراهم می‌آورد که نه‌تنها از حیث حقوقی، بلکه از حیث مشروعیت سیاسی و اعتماد عمومی، غیرقابل چشم‌پوشی هستند. این رویکرد، هرچند هزینه‌های مالی قابل توجه و سنگینی را در شرایط تحریم و فشار اقتصادی بر دولت تحمیل می‌کند، اما در بلندمدت و با نگاهی راهبردی، به تقویت سرمایه اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی به نظام، کاهش التهابات روانی ناشی از جنگ و جلوگیری از شکل‌گیری شکاف‌های عمیق میان دولت و ملت منجر می‌شود و از این حیث، یک سرمایه‌گذاری ناملموس اما حیاتی به‌شمار می‌رود. پیشنهاد تأسیس «صندوق ملی جبران خسارت جنگی» با ماهیت حقوقی مستقل و شفاف و با منابع مالی پایدار و متنوع شامل اعتبارات مصوب سالانه دولت، غرامت‌های وصول‌شده از دولت‌های متجاوز و هم‌دست در آینده، کمک‌های مردمی و خیریه‌های داخلی، و حتی اموال و دارایی‌های بلوکه‌شده دشمنان در نظام بانکی کشور، می‌تواند راهگشای این مسئله خطیر باشد و از موقی، بی‌ثبات، واکشی و پراکنده

«سرآمدبررسی می‌کند؛

غرامت جنگ

از انفعال بیانیه تا کنشگری حقوقی در ترازوی دیپلماسی اقتصادی

بودن اقدامات دولت در شرایط بحرانی و پسابحرانی جلوگیری نماید و به نوعی، نظم و انضباط مالی و حقوقی را به حوزه جبران خسارت وارد کند.

از سوری دیگر، برخی تحلیل‌گران و کارشناسان حوزه دیپلماسی اقتصادی با نگاهی عمل‌گرایانه، واقع‌بینانه و مبتنی بر محاسبات هزینه-فایده، وصول غرامت از کشورهای منطقه‌ای و همسایه که به‌نحوی در این جنگ همکاری لجستیکی، اطلاعاتی یا تسهیل‌گری داشته‌اند را محتمل‌تر، سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر از دریافت آن از آمریکا یا رژیم اسرائیل می‌دانند و بر این باورند که باید محور اصلی پیگیری‌های حقوقی و دیپلماتیک ایران، متوجه این دسته از دولت‌ها باشد. این کشورها به دلیل آسیب‌پذیری بالا و حساسیت شدید در برابر «انسداد انرژی»، اختلال در زنجیره تأمین، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، خروج سرمایه‌گذاران و ناامنی سرمایه‌گذاری، اهداف واقع‌گرایانه‌تر و دست‌یافتنی‌تری برای وصول غرامت به‌شمار می‌روند و در مقابل، انگیزه بیشتری برای پذیرش نوعی توافق و مصالحه با ایران دارند. در همین راستا، ایده پیشکده‌های ایجاد یک صندوق منطقه‌ای غرامت با مشارکت کشورهای مذکور و تأمین مالی مستمر آن از محل عوارض تردد کشتی‌ها و نفت‌کش‌ها در تنگه هرمز یا سایر عوارض گمرکی و ترانزیتی، به‌عنوان یک راهکار عملیاتی، ابتکاری و دارای ضمانت اجرایی نسبتاً بالا، از سوی برخی اندیشکده‌های اقتصادی و حقوقی مطرح شده است که می‌تواند در عین حال، به‌عنوان یک ابزار فشار هوشمندانه در مذاکرات آینده نیز ایفای نقش کند. این رویکرد عمل‌گرایانه، ضمن بهره‌گیری از اهرم‌های ژئوپلیتیکی و موقعیت ممتاز ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز، می‌تواند زمینه‌ساز یک راهبرد برده‌بردار باشد که در آن، کشورهای منطقه‌ای با پذیرش نوعی مسئولیت سیاسی-حقوقی محدود و مقطعی، از تبعات گسترده‌تر و زیان‌بارتر اقتصادی، امنیتی و اعتباری یک رویارویی تمام‌عیار و طولانی‌مدت با ایران جلوگیری کنند و در عین حال، ایران نیز بتواند بخش قابل‌توجهی از خسارت‌های خود را بدون درگیری در فرایندهای زمان‌بر و هزینه‌بر نهادهای بین‌المللی، جبران نماید. در مقابل، هرگونه غفلت از مستندسازی دقیق، سریع و همه‌جانبه خسارت‌ها، و هرگونه بی‌توجهی به پیگیری حقوقی و دیپلماتیک مستمر مرتبط است که می‌تواند کارکردی فراتر از جبران خسارت داشته باشد. آنچه جمهوری اسلامی ایران از امروز و در همین لحظات تاریخی به آن نیاز دارد، اتخاذ یک «استراتژی ترکیبی» هوشمندانه، چندلایه، بلندمدت و انعطاف‌پذیر است که در آن، همزمان به مستندسازی دقیق و کارشناسی برای استفاده در دیپلماسی تخصصی و نهادهای بین‌المللی، حفظ برتری میدانی و اهرم‌های ژئوپلیتیکی در تنگه هرمز و آب‌های منطقه به‌عنوان ضمانت اجرایی عملیاتی و پشتوانه مذاکرات، بهره‌گیری آگاهانه از شکاف‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در اردوگاه دشمن و متحدان منطقه‌ای آن، ارائه قوانین جامع، روزآمد و حمایت‌گرایانه داخلی برای حمایت از شهروندان و جبران خسارت آنان، و همچنین ایجاد ساختارهای نهادی پایدار و فرابخشی برای پیگیری بلندمدت این مطالبات، توجیه گردد. این استراتژی جامع و کلان، نه تنها می‌تواند زمینه‌ساز وصول بخشی از غرامت‌های جنگ در آینده، هرچند ناقص و تدریجی، شود، بلکه می‌تواند «افق جدیدی» در مناسبات حقوقی و سیاسی ایران با جهان گشوده و پیامی روشن، صریح و غیرقابل انکار به تمامی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارسال کند که هزینه تجاوز و تعدی، فراتر از میدان نبرد و معادلات نظامی، در دادگاه‌ها، محافل حقوقی بین‌المللی، افکار عمومی جهانی و ترازوی محاسبات اقتصادی نیز گریبانگیر آنان خواهد بود و هیچ‌گونه اقدام نظامی، بدون هماهنگی ملی قوا و نهادهای مختلف، بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های علمی، حقوقی، اقتصادی و دیپلماتیک کشور است که در صورت تحقق، می‌تواند به‌عنوان یک الگوی موفق در تاریخ حقوق بین‌الملل و دیپلماسی اقتصادی ایران به‌یاد آورده شود.